

Discourse analysis of the news of Iran International TV channel regarding the events of Mehr 1401 in Iran

Saeid Faramarziani*

Laya Nourani Zonoz**

Abstract

Iran's news is one of the topics that is reflected at the top of the western media. The purpose of the research was to examine international news about the crises of Mehr 1401 with Fairclough's discourse analysis method. The statistical community of news related to the unrest of Mehr 1401 in this network from 26 Shahrivar to 4 Aban 1401, which after examining the statistics using the purposeful sampling method, 10 news were selected and described using Fairclough's method in three levels. The findings show that the overthrow, totalitarianism of Iran's political system, the exponential minority of ethnic groups, and the objectification of women are among the discourses of this network. Based on representations and conceptualizations, Iran International considers the recent unrest in Iran to be a metamorphosis, following a network of new identity movements that include feminism, generational divide, secularization of the system, ethnic distinctions, and union identity-seeking, in which the protesters With civil self-awareness, they have formed a new coalition and a generational, cultural and religious transformation in Iran, they shout their demands and continue until the system is changed.

Keywords: critical discourse analysis, Iran International, Fairclough.

* Assistant Professor of Communication Sciences, Department of Social Sciences, Hakim Sabzevari Sabzevar University, Iran (Corresponding Author), ssffma@yahoo.com

** MSc of Social Communication Sciences, Azarabadgan University, Urmia, Iran, nouranizonouz@gmail.com

Date received: 01/02/2024, Date of acceptance: 09/04/2024





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل گفتمان اخبار شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال در خصوص حوادث مهر ماه ۱۴۰۱ ایران

سعید فرامرزبانی*

لعیا نورانی زنوز**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی اخبار شبکه تلویزیونی ماهواره ای ایران اینترنشنال در مورد حوادث مهرماه ۱۴۰۱ با روش تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف است. جامعه آماری پژوهش کلیه اخبار مرتبط با این حوادث در مهرماه ۱۴۰۱ می باشد که این شبکه تلویزیونی در بازه زمانی ۲۶ شهریورماه تا ۴ آبان ماه ۱۴۰۱ پخش کرده است که پس از بررسی جامعه آماری به روش نمونه گیری هدفمند، تعداد ۱۰ خبر انتخاب و با روش تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف، در سه سطح «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» مورد تحلیل قرار گرفت. یافته ها گویای آن است که شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال، براساس بازنمایی و انگاره پردازی ها درصدد بود تا ناآرامی های اخیر ایران را دگرجنبشی قلمداد کنند که به دنبال شبکه ای از جنبش های هویتی جدید روی داد؛ شبکه ای که زنانه اندیشی، گسست نسلی، تغییرخواهی برای سکولاریزه کردن نظام، تمایزهای قومی و هویت خواهی های صنفی یک جا در آن دیده می شود و «ناشهروند پنداشته شدگان» با خودآگاهی مدنی ائتلاف تازه و یک دگردیسی بزرگ نسلی، فرهنگی، صنفی و اعتقادی را در جامعه ای ایران شکل داده اند، مطالبات خود را کف خیابان فریاد می زنند. از این رو تضادمحوری ایران با حق های بنیادین بشری، سرنگونی خواهی، القای تمامیت خواهی نظام سیاسی ایران، اقلیت نمایی از اقوام و ابژه انگاری زنان نفرت پراکنی جنسیتی، از جمله گفتمان های غالب این شبکه ی تلویزیونی است.

* استادیار علوم ارتباطات، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه حکیم سبزواری سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)،
ssffma@yahoo.com

** کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه اذر ابادگان، ارومیه، ایران،
nouranizonouz@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰



کلیدواژه‌ها: اخبار ایران، تحلیل انتقادی گفتمان، ناآرامی‌ها، ایران‌ایترنشنال، فرکلاف.

۱. مقدمه و بیان مسئله

گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی سبب شده است تا عصر حاضر، عصر اطلاعات و ارتباطات نامیده شود. در این میان رسانه‌ها با گزینش و انتشار رویدادهای مختلف و تفوق بخشیدن به برخی از آنها در شکل‌گیری نگرش‌ها و باورهای بخش قابل توجهی از اعضای جامعه تاثیرگذار هستند. در واقع رسانه‌ها با سه کارکرد ویژه «عرضه اطلاعات مربوط به موضوعات از طریق پخش اخبار»، «انتقال دامنه وسیعی از پیام‌ها از مقامات حکومتی و سیاستمداران به مردم» و «مورد بحث و بررسی قرار دادن موضوعات، برجسته کردن برخی خبرها و تفسیر و تحلیل آنها و تهییج و تغییر دیدگاه‌های مردم» افکار عمومی را جهت‌دهی می‌کنند (قجری، دهقانی: ۱۴۰۰: ۱۵). در راستای اقناع مخاطب و هدایت افکار عمومی و به تبع آن رفتار مخاطبان در مسیر برنامه‌ریزی شده، تولد گفتمان‌ها توسط رسانه‌ها صورت می‌گیرد، به عبارتی دوران جدید رسانه‌ای را می‌توان دوران تولد گفتمان‌ها عنوان کرد؛ تاکتیکی که برای دستیابی به اهداف ویژه در مسیر استمرار قدرت و سلطه حاکم به کار گرفته می‌شود و دارای قدرت تحول و اقناعی فوق‌العاده‌ای است (حسنعلی‌زادگان: ۱۴۰۰: ۶).

این ویژگی مهم باعث شده است رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های تلویزیونی مخالف جمهوری اسلامی ایران به عنوان ابزار تبلیغاتی کشورهایشان رویکردهای گوناگونی نسبت به رویدادها و تحولات اجتماعی ایران اتخاذ کنند و به گفتمان‌سازی و بازنمایی رویدادهای ایران براساس سیاست‌های خود پردازند.

بازنمایی حوادث آبان‌ماه ۹۸ (افزایش قیمت بنزین)، آبان‌ماه ۱۴۰۰ (کشاورزان اصفهان)، خردادماه ۱۴۰۱ (متروپل) و همچنین حوادث مهرماه ۱۴۰۱ از جمله مواردی هستند که رسانه‌های بیگانه در پوشش، گفتمان‌سازی و بازنمایی آن بیشترین تلاش خود انجام دادند. در این بین آنچه رسانه‌ها را برای پوشش‌دهی و انعکاس اخبار مربوط به آن بسیار مشغول کرد، وقایعی بود که بعد از فوت مهسا امینی رخ داد. در این میان شبکه تلویزیونی ایران‌ایترنشنال از جمله رسانه‌هایی بود که با ارائه اخبار و گزارش‌های شبانه‌روزی سعی در پوشش گسترده این اتفاقات را داشت.

شبکه تلویزیونی ایران‌ایترنشنال نخستین و تنها تلویزیون خبری بیست و چهار ساعته فارسی زبان در خارج از ایران (لندن) است که فعالیتش را از ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ مصادف با

تحلیل گفتمان اخبار شبکه تلویزیونی ... (سعید فرامرزینی و لعلیا نورانی زنوز) ۱۶۵

انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری ایران آغاز کرد و بر پخش اخبار و برنامه های سیاسی و اجتماعی مربوط به ایران تمرکز دارد (غلامی و همکاران، ۱۴۰۰) پخش زنده گردهمایی سالیانه سازمان مجاهدین خلق و پوشش گسترده اعتراضات آبان ۹۸ از اقدامات جنجالی این شبکه تلویزیونی بوده اند (ر. ک. حسینی، طاهری ۱۳۹۹: ۵۴-۵۵) شبکه مذکور در ادامه فعالیت خود با پرداخت دستمزدهای بالاتر، کارکنان سایر شبکه ها مانند من و تو، بی بی سی فارسی و صدای آمریکا را جذب کرد (مقدم فر، ۱۳۹۷: ۸۱-۸۲). نحوه تأمین مالی شبکه کاملاً شفاف نیست اما به نوشته روزنامه های گاردین و وال استریت ژورنال، این تلویزیون بودجه ای دویست و پنجاه میلیون دلاری از سوی دربار عربستان سعودی دریافت کرده است. بنابراین تحلیل گفتمان پوشش خبری این حوادث توسط شبکه مدنظر، به نوعی نشان دهنده سیاست ها و جهت گیری های این شبکه از شروع وقایع اس و بررسی کیفیت پرداختن رسانه های رقیب به این موضوع برای کشف لایه های گفتمانی و شناسایی شیوه های نفوذ و تاثیر آنها بر افکار عمومی ضرور دارد.

علت انتخاب روش کیفی در این پژوهش و به خصوص روش تحلیل گفتمان نیز این است که یکی از بزرگترین اشکالات واردآمده بر پژوهش های کمی، عدم تمرکز و تعمیق نسبت به موضوع موردبررسی است. مسلماً برای بررسی ابعاد ایدئولوژیکی سلطه در متون رسانه ای و کاوش شیوه های جریان سازی رسانه ها نیاز به واکاوی عمیق و کیفی در معانی بین متنی رسانه هاست. بنابراین، نگاهی کیفی برای تحلیل و بررسی گفتمان حاکم بر متون خبری می تواند در رسیدن به نگاهی ژرف در این مورد، اهمیت فراوانی داشته باشد. پژوهش حاضر با موضوع «تحلیل گفتمان انتقادی اخبار شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال در مورد حوادث «مهرماه ۱۴۰۱» در بازه زمانی ۲۶ شهریورماه تا ۴ دی ماه ۱۴۰۱ است.

۱.۱ سوال اصلی

گفتمان و انگاره های ایجاد شده در شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال در حوادث مهرماه ۱۴۰۱ چه بوده است؟

۲.۱ سوالات فرعی

- در متون خبری شبکه "ایران اینترنشنال" چه نظام واژگانی (مثبت و منفی) را به کار برده اند؟

- استناد یا ذکر شواهد در اخبار شبکه "ایران اینترنشنال" چگونه بوده است؟
- در قطب‌بندی ایدئولوژیکی متون خبری شبکه "ایران اینترنشنال"، "خود" و "دیگری" چگونه توصیف می‌شوند؟
- چه نوع انگاره یا انگاره‌هایی در مورد "ناآرامی‌های اجتماعی مهرماه ۱۴۰۱" در متون خبری و "ایران اینترنشنال" ساخته شده است؟

۲. چهارچوب نظری تحقیق

۱.۲ نظریه گفتمان

تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی زمینه متن (واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۲: ۱۰). یول و براون در تعریف تحلیل گفتمان می‌نویسند: تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است. در این صورت، نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند (یول و براون: ۱۹۸۳). شیفرین نیز با تکیه بر گستره متنی، تحلیل گفتمان را چنین تعریف می‌کند: تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش متنی عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار دهد و بنابراین، واحدهای زبانی، نظیر مکالمات یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس، تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی، به ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سر و کار دارد (شیفرین: ۱۹، ۱۹۹۴).

۲.۲ تحلیل انتقادی گفتمان

تحلیل گفتمان انتقادی در اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع شد و در قرن بیست و یکم به رشته‌ای کاملاً تثبیت شده در علوم اجتماعی تبدیل شده است. به باور ووداک و میر (۲۰۱۶: ۲۵) تحلیل گفتمان انتقادی برنامه مطالعاتی میان رشته‌ای و البته مسئله‌محوری است که رویکردهای مختلفی را در بر می‌گیرد؛ هر کدام از این رویکردها الگوهای نظری متفاوت، روش‌های تحقیق و دستورکارهای متفاوتی دارند. آنچه بین آنها وحدت ایجاد می‌کند علاقه مشترک به ابعاد نشانه‌شناختی قدرت، سیاست‌های هویتی و تغییرات اقتصادی - سیاسی یا فرهنگی در جامعه

تحلیل گفتمان اخبار شبکه تلویزیونی ... (سعید فرامرزینی و لعلیا نورانی زنوز) ۱۶۷

است. بنابراین، فصل مشترک تمام این رویکردها را می توان مفاهیم ایدئولوژی، قدرت، گفتمان و نقد دانست (نویخت: ۱۴۰۰: ۱۳۱-۱۳۰). تحلیل گفتمان انتقادی که ریشه در آرای میشل فوکو دارد از شاخه های اصلی گفتمان است که کارکرد زبان را در سطح وسیع تری در سیاست و جامعه بررسی می نماید و این رویکرد اظهار می کند که عواملی هم چون روابط قدرت و سلطه، بافت تاریخی، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژی، متن یا صورت زبانی و معانی تازه ای را ایجاد می کنند (آقاگل زاده ۱۳۹۴، ۱۲).

تحلیل انتقادی گفتمان به تحلیل روابط ساختاری آشکار یا پنهان سلطه، قدرت، تبعیض نژادی و تجلی آنها در زبان علاقه مند است. به عبارت دیگر می توان گفت هدف تحلیل گفتمان انتقادی، بررسی انتقادی نابرابری اجتماعی آن گونه که در زبان به کار می رود و این کاربرد مستمر موجد شکل گیری تبعیض و مشروعیت آن می شود، می باشد (ونداک ۱۹۹۵).

در تحلیل انتقادی گفتمان، دسترسی به اشکال مختلف قدرت از بستر ارتباطات و گفتمان منبعی حیاتی از قدرت است. اقتدار وسیله ای است که برای یک مجمع مردمی نسبت به اعضای یک مجلس دیگر اداره می شود. شناخت و اعمال افراد را محدود می کند. از این رو، بر ذهن افراد و آزادی عمل آنها تأثیر می گذارد. قدرت از طریق اعمال متقاعدسازی، دستکاری از طریق گفتگو و تقلب اعمال می شود. هدف تغییر شناخت ها و فرآیندهای تفکر افراد در تلاش برای همسو کردن آنها با گروه های اجتماعی تأثیرگذار است. تا این حد، تحلیل گفتمان انتقادی به مدیریت ذهن دیگران از طریق متون و گفتگو کمک می کند. تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی سطوح مختلف متن می پردازد که از سطوح خرد، کلان و میانی متن متغیر است تا انگیزه های سیاسی را در آنها شناسایی کند. (کلر (Keller)، ۲۰۱۱: ۶۵).

یورگنسن (Jurgensen) و فیلیپ (Philips) هم موضوع اصلی تحقیق در تحلیل گفتمان انتقادی را هم کاربردهای گفتمانی می دانند که بازنمایی هایی از جهان، سوژه های اجتماعی و روابط اجتماعی از جمله روابط قدرت را برمی سازد و هم نقشی که این کاربردهای گفتمانی در پیشبرد منافع گروه های اجتماعی خاص ایفا می کنند (فیروزجایی، حبیبی؛ ۱۳۹۷: ۵).

۳.۲ نظریه تعامل ایدئولوژیک در تحلیل انتقادی گفتمان

گفتمان، ساختاری با تفکر شخصی که منعکس کننده رفتار و نگرش شخصی است، به عنوان ایدئولوژی شناخته می شود. ایده های مشروط اجتماعی و ساخته شده اجتماعی به عنوان ایدئولوژی تلقی می شوند. ایدئولوژی دیدگاه های مردم را از حوزه های مختلف به هم مرتبط

می‌کند. دیدگاه‌های متخصصان آموزشی و رهبران سیاسی موقعیت تعاملی را ایجاد می‌کنند که در آن می‌توانند افکار خود را مورد بحث قرار دهند و افکار جدیدی تولید کنند. (فرکلاف"۱۹۸۵)

به گفته فرکلاف و ووداک (Wodak & Fairclough)، (۱۹۹۷) CDA به عنوان تحلیل گفتمان که هدف آن بررسی سیستماتیک رابطه غالباً مبهم علیت و تعیین بین عملکردهای گفتمانی، رویدادها، متون و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی گسترده تر، روابط و فرآیندها است. بررسی این موضوع که چگونه چنین اعمال، رویدادها و متونی از رابطه قدرت و غلبه بر مبارزات برخاسته و از نظر ایدئولوژیک شکل می‌گیرند، و بررسی کنیم که چگونه عدم شفافیت این رابطه بین گفتمان و جامعه، خود عاملی برای تأمین قدرت و هژمونی است.»

با توجه به تعریف فوق، ایدئولوژی به اشکال اجتماعی از فرآیندها اطلاق می‌شود که در درون آنها و با به کارگیری آنها، اشکال نمادین در جهان اجتماعی در گردش است. ایدئولوژی مطالعه «چگونگی ساخت و انتقال معنا توسط اشکال نمادین از انواع مختلف» است. (تامپسون (Thompson): ۲۰۱۳)

کنترل جامعه و اذهان عمومی برای دست یافتن به اهدافی که راس حکومت در نظر دارد از طریق پروپاگاندا امکان‌پذیر می‌شود. پروپاگاندا شامل تلاش‌هایی است که در یک نهاد اجتماعی برای تبلیغ یک دکتترین یا سیستم طراحی می‌شود و به طور نظام‌مند برای جلب حمایت مردم نسبت به یک عقیده یا انجام یک عمل خاص صورت می‌گیرد. تبلیغات مدرن تلاشی مداوم و سازگار برای ایجاد یا شکل‌دهی به حوادثی است که بر رابطه مردم با یک نهاد، فکر یا گروه اثر بگذارد. این عمل یعنی ایجاد شرایط و یا ایجاد در ذهن میلیون‌ها انسان عملی کاملاً رایج است. در واقع در دنیای مدرن هیچ کار مهمی بدون تبلیغات انجام نمی‌شود. در این راستا هر فرد یا گروهی که توان تاثیرگذاری کافی بر اذهان را داشته باشد می‌تواند بخش‌هایی از جامعه را لااقل برای مدت محدودی به سوی هدف خاصی رهبری کند (نصیری، نیری‌فلاح و خلیلی: ۱۴۰۱، ۳ و ۲).

۴.۲ نظریهٔ بازنمایی

بازنمایی، تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. هال می‌گوید هیچ چیز معناداری خارج از گفتمان وجود ندارد و وظیفه مطالعات رسانه ای، سنجش شکاف میان واقعیت و بازنمایی نیست، بلکه تلاش برای شناخت این نکته است که معانی به چه نحوی از

طریق رویه ها و صورت‌بندی‌های گفتمانی تولید می شود. از دیدگاه هال ما جهان را از طریق بازنمایی می سازیم و بازسازی می کنیم (کالورت (Calvert) و لوئیس (Lewis): ۲۰۰۲: ۲۰۰). یکی از راهبردهای سیاست بازنمایی، کلیشه‌سازی است که رهبرد تقسیم کردن را به کار می گیرد و ویژگی‌های "به‌هنگار" و "قابل قبول" را از ناب‌هنگار و غیرقابل پذیرش جدا می سازد. سپس هر چیزی را که در درون به‌هنگار و قابل قبول نگنجد و متفاوت باشد، طرد می کند. کلیشه به طور نمادین، مرزها را مشخص می سازد و هر چیزی را که به "ما" تعلق ندارد طرد می نماید. کلیشه‌سازی پیوند دادن یا متحد ساختن همه "ماها"یی را که نرمال هستند در یک اجتماع تخیلی فراهم می کند و همه "آن‌ها" یعنی دیگران را که به گونه‌ای متفاوت هستند، فراسوی حد و مرز به تبعید نمادین می فرستد. ماری داگلاس استدلال می کند که همه چیزهایی که خارج از محدوده باشد، آلوده، خطرناک و تابو فرض می شود. (هال (Hall): ۲۰۰۳: ۲۵۸). دیگر اینکه کلیشه‌سازی در جایی شکل می گیرد که نابرابری‌های آشکار و ناموجه قدرت وجود دارد. قدرت، معمولاً گروه‌های زیردست و طرد شده را هدف می گیرد. طبق دیدگاه دایر، یکی از جنبه‌های قدرت، همانا قوم‌مداری است (مهدی‌زاده: ۱۳۸۶: ۵-۶).

۵.۲ نظریه چهارچوب‌سازی

چارچوب‌سازی یک نظریه ارتباطی و جامعه‌شناسی است مفهوم چارچوب‌بندی یا چارچوب‌سازی در سال ۱۹۷۴ توسط جامعه‌شناسی به نام اروینگ گافمن عنوان شد. جامعه‌شناسی که معتقد بود افراد به صورت فعال جهان پیرامون خود را با استفاده از «چارچوب‌هایی» که اطلاعات را تعیین، دریافت، شناسایی و برجسته می زنند، سازماندهی و معنا می کنند (scheufel & Tewksbury, 2007, 11). گافمن معتقد است چارچوب‌ها قادر هستند در راستای فراهم‌سازی زمینه‌های درک حوادث، با گزینش و رمزگذاری حوادث، رویدادها و توالی کنش‌ها در محدوده محیط حال و گذشته افراد، محیط اطراف را ساده‌سازی، تلخیص و در نهایت تصویری فشرده از آن به مخاطبان ارائه دهند. (کریمی، ۱۳۸۸) به دیگر معنا، «چارچوب، نظر و یا طرحی است که معنا می دهد.

مک کامبز چهارچوب‌سازی را نسخه پالایش شده‌ی برجسته‌سازی می داند. از این دیدگاه، چهارچوب‌سازی به معنای برجسته کردن برخی جنبه‌های یک موضوع از طریق شیوه‌های

مختلف ارائه موضوع و در نتیجه، تغییر رفتارهای مردم در قبال آن است. او این پدیده را سطح دوم برجسته‌سازی می‌نامد. (مهدی‌زاده و هوشیار، ۱۳۹۸: ۶-۵)

۶.۲ نظریه انگاره‌سازی

انگاره به معنای وهم، گمان و پندار است. انگاره‌سازی به تلاشی گفته می‌شود که رسانه‌ها برای ساختن واقعیت دلخواه خود در ذهن مخاطب انجام می‌دهند. ارائه انگاره از شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیا و رویدادها به مخاطب، «انگاره‌سازی خبری» نام دارد. «در انگاره‌سازی با بازتاب واقعیت سروکار نداریم. واقعیت‌ها دستکاری شده و توأم با تفسیر پنهان ارائه می‌شود. انگاره‌سازی تکنیک و کلید کارگشای معنی‌سازی در جهان خبر است» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۹).

در جریان ساخت انگاره‌ها روحیات، پیش‌زمینه‌های ذهنی و میزان اعتماد محیطی مخاطبان دارای اهمیت فراوانی است. انگاره‌سازی درواقع ارائه انگاره‌های (تصویری) از شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیا و رویدادها به مخاطب است. در انگاره‌سازی، با بازتاب واقعیت سروکار نداریم، بلکه واقعیت‌ها دستکاری شده و همراه با تفسیر پنهان ارائه می‌شوند (قاسمی، نیرومند و میرزاخانیان؛ ۱۴۰۰: ۹۹)

۷.۲ نظریه نورمن فرکلاف

روش فرکلاف در تحلیل انتقادی گفتمان شامل سه مرحله وابسته به هم یعنی توصیف متن (آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن)، تفسیر (نشان دادن تعامل بین متن و بافت) و تبیین (تاثیر دوسویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها) صورت می‌پذیرد. به عبارتی سطح توصیف با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد. سطح تفسیر که به ارتباط میان متن و تعامل می‌پردازد و سطح تبیین که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی اشاره دارد و این که چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۲۶-۲۷)

۳. روش تحقیق

رویکرد گفتمانی موردنظر در این تحقیق، رویکرد گفتمان کاوی «فرکلاف» خواهد بود. رویکرد فرکلاف به تحلیل گفتمان انتقادی، به دلیل نظام‌مند بودن و نیز ارائه روش‌های ملموس‌تر بیشتر

از سایر رویکردهای موجود، مورد توجه بوده است. (نیک ملکی، ۱۳۸۴، ۷۸). در این پژوهش برای تحلیل و تبیین خبرهای ایران اینترنتی به منظور رسیدن به لایه‌های نهانی متن‌های خبری و کشف نظام ایدئولوژیک حاکم بر آنها از روش پژوهشی تحلیل انتقادی گفتمان استفاده شده است.

این پژوهش با پیروی از رویکرد فرکلاف در سه مرحله با تحلیل از سه سطح متنی، سطح عمل گفتمانی و سطح اجتماعی-فرهنگی انجام شده است. چارچوب سه بعدی او به عنوان کامل‌ترین و کاربردی‌ترین روش تحلیل گفتمان انتقادی شناخته می‌شود. فرکلاف استدلال می‌کند که تحلیل گفتمان باید در چارچوب عمل اجتماعی-فرهنگی انجام شود که مستلزم توجه به سازماندهی متن در همه سطوح است. گفتمان در اینجا به استفاده واقعی از زبان اشاره دارد و می‌توان آن را شکلی از عمل اجتماعی دانست. او تحلیل گفتمان مبتنی بر زبان‌شناختی را با نظریه‌های جامعه‌شناسی و ایدئولوژی ترکیب می‌کند، از مطالعه گفتمان میان رشته‌ای حمایت می‌کند و گفتمان را از سه بعد تحلیل می‌کند: متن، عمل گفتمان و عمل اجتماعی. (Fairclough, 1992: p. 63).

۴. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از گزینش خبرها با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند، با توجه به رهیافت تحلیل گفتمانی فرکلاف، فرم ویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از متن خبرهای انتخاب شده در نظر گرفته شد. فرکلاف سه اصل را در تحلیل گفتمان مد نظر خود مورد توجه قرار می‌دهد که عبارتند از گفتمان به مثابه متن، گفتمان به مثابه کنش متقابل بین قواعد تولید متن و قواعد تفسیر متن و در نهایت گفتمان به مثابه بافت. کارویژه‌های اساسی پژوهش عبارتند از: سبک واژگان (مثبت و منفی)، افراد و نهادهای مطرح شده در متن (مثبت و منفی)، قطب‌بندی یا غیرسازی، استنادها، پیش‌فرض‌ها، تلقین و تداعی‌ها، استعاره‌ها، واژگان ایدئولوژیک و گزاره‌های اساسی متن‌های خبری. بعد از استخراج مقوله‌های متنی از متون مورد نظر، تحلیل و تفسیر فرامنتی صورت می‌گیرد که این تحلیل به اخذ نتایج اصلی و دستیابی به هدف‌ها و پاسخگویی به سوالات اصلی و فرعی پژوهش را فراهم می‌آورد.

۵. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در روش تحلیل گفتمان، واحد تحلیل از کلمه فراتر است. واحد تحلیل می‌تواند براساس موضوع، شاخص‌ها، اهداف، متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق، شامل: یک جمله، عبارت، بند، صفحه یا متن کامل باشد. (ون دایک، ۱۳۸۲: ۲۳) واحد تحلیل در این تحقیق، متن خبرهای انتخاب شده است که دربرگیرنده ی اصل خبر و تفسیری از خبر است. البته برخی از این خبرها به صورت خبر صرف بوده و برخی دیگر نیز اغلب با تفسیر همراه بوده‌اند. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه اخبار مرتبط با "حوادث مهرماه ۱۴۰۱" در شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال در بازه زمانی ۲۶ شهریورماه تا ۴ آبان ماه ۱۴۰۱ (چهل‌مهرماه امینی) است. علت انتخاب این بازه زمانی آن است که در این دوره، اخبار زیادی برای پوشش این رویدادها در رسانه منتشر شده و سیاستمداران و کارشناسان در این رسانه در خصوص موضوع مورد بررسی گفتگو می‌کردند. شیوه نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند یا قضاوتی است. با توجه به اینکه تحلیل گفتمان یک روش کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی است و کیفیت حضور یا غیبت مفاهیم در متون رسانه‌ای مدنظر است، لذا روش نمونه‌گیری هدفمند بهتر می‌تواند پاسخگوی اهداف تحقیق باشد. «در شیوه نمونه‌گیری هدفمند، غیراحتمالی یا کیفی، مبنای انتخاب نمونه ذهنیت و هدف پژوهشگر است که احتمال انتخاب یک واحد نمونه‌گیری را برای نمونه، معین می‌کند» (فرانکفورت و نجمیاس (Frankford and Nechmias)، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴).

با توجه به شیوه نمونه‌گیری قضاوتی یا هدفمند، ابتدا تمامی اخبار مرتبط با حوادث مهرماه ۱۴۰۱ در شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال بررسی اولیه و مطالعه شد و سپس تعداد ۱۰ خبر به عنوان نمونه گزینش شد تا تمهیدات گفتمانی آنها تحلیل انتقادی شود. مقوله‌ها یا کار ویژه‌هایی که برای بررسی و توصیف متن خبرها به کار می‌روند عبارتند از؛

۶. واژگان

این مقوله، واژگان کانونی را که تکیه‌گاه متن به شمار می‌آید، همراه با بار معنایی و کارکردی آنها در متن مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اینکه واژگان اصلی و کانونی متن کدام‌اند و موضوع یا مفهوم مورد نظر را مثبت یا منفی توصیف کرده‌اند، معرف گفتمان حاکم در مورد عملیات روانی و تبلیغاتی است که در متون خبری اعمال شده است. این مقوله می‌تواند محقق را در تحلیل واقع‌بینانه متن و زمینه‌ها بافتاری متن مدد رساند (ون دایک، ۱۳۸۰: ۹۳).

۷. افراد و نهادهای مطرح شده در متن

بر اساس این مقوله، می توان پی برد که نهادها، ارگانها یا مؤسساتی که در خبرها نام برده شده اند به صورت مثبت مطرح گردیده اند یا در جایگاه منفی قرار گرفته اند. این مقوله یا کار ویژه حاوی داوری متن و کنشگر آن در مورد افراد و نهادهای ذکر شده در متن خبر است. در نهایت به تحلیل مرزبندی های متن یاری می رساند. بخشی از کارکرد غیرسازی متن در این مقوله مشخص می شود (فرقانی، ۱۳۸۲، ص ۳۴).

قطب بندی یا غیرسازی (ارزش های متسبب به "خود" و "دیگری")

این مقوله یا کار ویژه دارای دو زیر مقوله شخص است؛ نحوه توصیف و معرفی "خود" یا ارزش های متسبب به "خود" و نیز توصیف و معرفی "دیگری" یا ارزش های متسبب به "دیگری" در متن خبر است. در حوزه جنگ روانی و تبلیغات سیاسی، غیرسازی یا قطب بندی اهمیت اساسی دارد. اینکه رسانه های حامی غرب و سیاست های امپریالیستی آن، "دیگر" را چگونه توصیف می کنند و چه نهادها و افرادی را در جبهه "خود"ی و کدام را در جبهه "دیگر"ی قرار می دهد. این امر می تواند در تحلیل بینش ها و نگرش های رسانه ها و بررسی کنشگران بین المللی آنها یاری رسان باشد. تعیین جایگاه و کارکرد ضمایر به کار رفته در متن نیز در شناخت قطب بندی یا غیرسازی محقق را یاری می رساند، علت این است که ضمایر، بیانگر نگرش کنشگر متن نسبت به دیگران است. مثلاً استفاده از ضمیر "ما" بیانگر این است که رسانه خود را یا نماینده یک جمع می داند و یا اینکه برای خود جبهه ای جدا متصور می شود. از طرف دیگر، استفاده از ضمیری چون "ایشان" یا "آنها" مبین خط فاصلی با دیگران است (فرامرزیانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱).

۸. استناد یا ذکر شواهد در متن

اینکه متن به کدام منابع مشروعیت ساز یا مورد پذیرش از سوی دیگران برای اثبات یا تأیید گفته های خود استناد می کند می تواند در قابل قبول یا غیر قابل قبول جلوه دادن استدلال ها مؤثر باشد. شناخت و بررسی استنادها یا شواهد در متن خبر می تواند در تحلیل اینکه خبر بر آن است تا به چه ادله ای و یا چه ارزیابی مثبت و منفی ای واقعیتی را به ذهن مخاطبان خود منتقل کند، حائز اهمیت است. معمولاً، خبرها دارای یک سری نقل قول ها، منابع اطلاعاتی،

کارشناسان، رهبران و مسئولانی هستند که نوعاً این مقوله آنها را شامل می‌شود (فرقانی، ۱۳۸۲، ص ۴۰).

۹. پیش‌فرض‌ها

پیش‌فرض‌ها، افکار قالبی و پیشداوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهد. بنابراین، شناخت پیش‌فرض‌ها، تحلیل‌گر را قادر می‌سازد به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی صاحب اثر پی ببرد. بطور کلی پیش‌فرض‌ها شامل مفروضاتی است که فهم ارتباط میان قضایا و موضوع متن مشروط به آنهاست (همان، ص ۵۲).

نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) معتقد است که پیش‌فرض‌ها از ویژگی‌ها و خصوصیات یک متن نیستند، بلکه بخشی از تفسیر تولید کنندگان متن از بافت بینامتنی هستند. بسیاری از ویژگی‌های صوری متن به این پیش‌فرض‌ها اشاره دارد. فرکلاف در سطح تفسیر متن، حرف تعریف و بندهای پیرو را دو مورد مهم از این ویژگی‌ها می‌داند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۴۳).

۱۰. دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی)

در مرحله تحلیل و تفسیر متن، شناخت مفاهیم و دلالت‌های ضمنی به محقق کمک می‌کند تا در تحلیل خود به این مطلب برسد که در فلان گزاره چه معانی غیر صریح و غیر آشکاری وجود داشته است. اینکه کنشگر متن از به کار بردن چنین معانی‌ای چه نیتی داشته و کاربرد آنها چه معانی یا دلالت‌هایی را در پی دارد. محقق، معانی خاصی را به گزاره‌ها یا برخی جملات مهم متن نسبت می‌دهد تا مشخص کند که عبارات یا متن مذکور چه قواعدی را در بر می‌گیرند. در این حوزه، تلقین چیزهایی را شامل می‌شود که متن به وسیله آنها در صدد ذهنیت‌سازی است. تداعی، یادآوری مفاهیم و تعابیر ناگفته در یک متن است. در تلقین و تداعی، کنشگر به شکلی غیرمستقیم، افکار و ایده‌های ذهنی خاصی را در ذهن مخاطب ایجاد و با بیان ناگفته‌های مورد نظر خود، ذهنیت او را متأثر می‌کند (فرامرزیانی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲).

۱.۱. یافته‌های پژوهش

در این قسمت به کمک رهیافت فرکلاف در تحلیل گفتمان و جداول آماده شده برای تجزیه و تحلیل اطلاعات متنی، مقوله‌های گفتمانی از خبرهای منتخب شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال در مورد حوادث مهرماه ۱۴۰۱ استخراج و سپس یافته‌ها در جدول نهایی ترسیم شده است.

جدول ۱. ساختارها و مقوله‌های گفتمانی ایران اینترنشنال

شاخص	مقولات
وحدت	همبستگی، تجمع‌ها، فراخوان‌ها، اعتراضات، قیام مردمی، ترس نظام، مبارزه ضدحکومتی، مخالفان نظام، انقلاب، آزادی، طغیانگر، اتحاد، "زن، زندگی، آزادی"، اپوزیسیون، جنبش، عدالت، باز شدن فضای سیاسی، حجاب از سر برداشتن، چیدن موها، سوزاندن روسری، تحریم رژیم ایران
	سرکوب معترضان، اعمال خشونت آمیز، پلیس اخلاقی، اسلام شیعی، کنترل سفت و سخت، حکومت پلیسی، مجازات معترضان، دلبستگی‌های مذهبی، گشت ارشاد، دیکتاتوری، مردسالاری، لغو تحریم‌ها، کشتار معترضان، بقای رژیم ایران، حکومت خودکامه، نیروهای امنیتی و انتظامی، مسدود کردن پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، مزدور، نگاه جنسیتی، استبداد
مهر	مهسا امینی، ندا آقاسلطانی، عربستان سعودی، ملت ایران، رسانه‌های غربی، زنان و دختران ایران، گروه‌ها و احزاب کرد، سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای، کارشناسان حوزه رصد تجارت نفت ایران، جوایبیدن، پژوهشگاه مطالعات سیاسی، وزیر امور خارجه آمریکا، جوانان محلات تهران، کارگران زن و مرد، دانشجویان
	رهبران رژیم ایران، ابراهیم رئیسی، سپاه پاسداران، سران متزلزل نظام، روحانیون، روزنامه‌های حکومتی، حامیان حکومت ایران، پلیس، ماموران لباس شخصی، دولت چین، ولادیمیر پوتین
فصل‌بندی	کارگران، جوانان محلات، زنان، معترضان، ملت ایران، رسانه‌های غربی، بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال، بریتانیا، دختران دانشجو و دانش‌آموز، مهسا امینی، اقلیت‌ها (کرد، آذری، بلوچ و...)، اسرائیل، دولت آمریکا، سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای، کارشناسان حوزه رصد تجارت نفت ایران، جهان عرب، اوکراین، سازمان ملل متحد،
	رژیم ایران، ابراهیم رئیسی، سپاه پاسداران، رهبران ایران، روحانیون، حامیان حکومت ایران، سران حکومت ایران، پلیس، ماموران لباس شخصی، روسیه، چین، نیروهای امنیتی
تاریخ	سخنان مقامات داخلی و خارجی، رسانه‌های داخلی و خارجی از جمله نشریه اسرائیلی، بلومبرگ، گاردین، تحلیل‌گران داخلی و خارجی، فیلم‌های منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی، مراکز افکارسنجی و گزارش‌های مردمی
استنباط	تغییر انگاره‌های مذهبی نسل نوجوان و جوان، تبدیل اعتراض به انقلاب، استیصال جمهوری اسلامی ایران در جریان ناآرامی‌ها، شکست و حتمی بودن تغییر رژیم ایران، ناممکن بودن رفع شکاف طبقاتی در ایران و اعتصاب عمومی

شاخص	مقولات
۱.۳.۱ ۱.۳.۲	ادامه‌دار شدن و تشدید اوضاع بحرانی ایران، ترس حکومت از قیام مردمی، استفاده از نیروهای بسیجی و سپاهی برای اعمال خشونت علیه معترضان، بی‌توجهی حاکمیت به خواسته‌های نسل جوان، سانسور اینترنت در ایران به دلیل ترس حکومت از آگاهی مردم، پشت کردن نسل جوان به نظام، مقاومت و پیروزی دختران در برابر تحمیل حجاب اجباری، وجود تبعیض علیه اقوام در ایران و همبستگی نیروهای کارگری برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران
	عدم انطباق نظام مستقر با تغییرات نسلی، نقض حقوق بشر با سرکوب و کشتار معترضان و قطعی اینترنت، خیزش مردم ایران نویددهنده یک جامعه آزاد و دموکراتیک، احیای جایگاه اجتماعی زنان، موضع‌گیری خصمانه توأم با ترس ایران نسبت به قوم کرد، حمایت آمریکا و متحدانش از اعتراضات مردمی، فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی، توقف مذاکرات هسته‌ای برای احیای برجام و تداوم تحریم‌ها
۱.۳.۳	"آیا ایران ققنوس‌وار از خاکستری که دهه‌هاست بر آن نشسته برمی‌خیزد یا نه"، "حمله جمهوری اسلامی به کردها؛ بومرنگی که کمانه خواهد کرد"، "رژیم ایران در برخورد با معترضان دست سنگین خود را رو کرد"
واژگان ابدلولوژیک	سکولار، دیکتاتور، فمینیست، خودکامه، مزدور، استبداد، اپوزیسیون، دموکراتیک

شاخص	مقولات
۱-۱۱ ۱-۱۲ ۱-۱۳ ۱-۱۴	مرگ مهسا امینی برای حساب و کتاب رژیم ایران تبدیل می‌شود، سپاه پاسداران مجری اعمال ارزش های جمهوری اسلامی است، رئیسی جای مخالفان را تنگ‌تر کرده است، به پلیس اخلاقی قدرت بخشیده، تفسیری خشک از اسلام شیعی را در کشور جا انداخته است، حکومت ایران صاحب بهترین نافذترین امنیت دیجیتال در منطقه است، واکنش برخی اصلاح‌طلبان به خیزش مردمی این است که اصولگرایان آنچه خود کاشته‌اند را درو می‌کنند، دلیل خیزش همچنان استفاده از اینترنت عنوان شده است، سوگواری دختران نوجوان خشمی غران است که می‌خروشد و آرام نمی‌گیرد و انگشت وسط را به سمت دیکتاتور نشانه می‌رود، جسور و شورشی باشید، نافرمانی کنید و بدانید که شما لایق آزادی هستید، زنان ایران آغازکننده این انقلابند و آن را پیش خواهند برد، زنان و دختران ایران می‌گویند دلتن خوش نباشد که فقط به تغییر رژیم راضی می‌شویم ما بیش از آن را تغییر خواهیم داد، اصالت شعار "زن، زندگی، آزادی" برآمده از کردستان است و حالا در سراسر ایران و جهان گسترش یافته است، رژیم ایران می‌داند نزد گروه‌های اقلیت ایران از کرد، آذری، بلوچ و ... تا فارسی زبانان ساکن تهران منفور است و توان مقابله با تمامی مخالفانش را در آن واحد ندارد پس با سرکوب به نوبت هرگروه بقا می‌یابد، رژیم تندروی این کشور را وقتی با اعتراضات سراسری دست به گریبان است، سرپا نگه می‌دارد، ایرانیان می‌توانند از شورش مردمی علیه خودکامگان در جهان عرب درس بگیرند، با جان دادن ایرانیان معترض بر کف خیابان این که آمریکا مذاکرات هسته‌ای برای احیای برجام را پیش ببرد نامحتمل است، صدور بیانیه‌های عمومی برای اعلام حمایت و فراهم آوردن فناوری‌هایی برای معترضان که دست رژیم برای مسدود کردن پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی را ببندند، ضروری است، جایی که قتل مهسا امینی، اعتراضات سراسری علیه رژیم ایران را برانگیخته است، رسانه‌های اجتماعی از ویدئوهای حجاب از سر برداشتن زنان، چیدن موهایشان و سوزاندن روسری‌ها پر شده است"، "جوابیدن در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: با شهروندان شجاع و زنان دلیر ایران که هم اکنون برای به دست آوردن حقوق اولیه خود تظاهرات می‌کنند، اعلام همبستگی می‌کنیم، تاکنون دست کم ده‌ها تن در این دور از اعتراضات کشته شده‌اند، سندیکاهای کارگری درباره برخورد نیروهای امنیتی با اعتصاب کارگران صنایع و بخش نفت هشدار دادند"، "کارگران زن هفت تپه در بیانیه‌ای از نگاه جنسیتی حکومت به زنان اعلام بیزاری کردند.

۱.۱۱ تفسیر و تبیین اخبار شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال

نظام گفتمانی حاکم بر متن های بررسی شده شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال، حاکی از آن است که این رسانه با استفاده از امکانات و تکنیک های رسانه ای گزیده خود، در راستای پیاده کردن خواست سیاستمداران و تصمیم گیران مملکتی و رسانه ای خود بوده و اهدافی و نشان دادن سیاست های غرب و سردمداران آن یعنی انگلیس و آمریکا را دنبال کرده است. در سطح «تفسیر» در متون خبری منتخب ایران اینترنشنال، حوادث مهرماه ۱۴۰۱، اعتراضات ضداستبدادی و نشانه گسیختگی اجتماعی قلمداد شده است. دایره «دیگری» عموماً شامل رهبران و سران نظام جمهوری اسلامی ایران و نهادهای انقلابی بوده است و گفتمان «ما» در این

شبکه‌ی تلویزیونی مای طرفدار ملت ایران و حقوق آنها، مخالفان و معترضان نظام جمهوری اسلامی ایران، رسانه‌نگاران مخالف جمهوری اسلامی ایران، اقوام ایرانی و احزاب آنها و نیز مای لیبرال دموکرات است.

استخراج مقوله‌های گفتمانی مربوط به متون خبری شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال، گویای آن است که متن‌های این شبکه از لحاظ سبک واژگانی، افراد و نهادهای مطرح شده در متن، استعاره‌ها، استنادها، پیش فرض‌ها، تلقین و تداعی‌ها، مؤلفه‌های اجماع و توافق و گزاره‌های اساسی در ابتدا، میانه و انتهای وقایع و حوادث رخ داده همسو با اهداف صاحبان آنها در ایجاد التهاب و شورش در ایران بوده است.

در تحلیل گفتمان‌ها، واژگان نقش بسیار مهمی برعهده دارند. واژگان انتخاب شده از متون خبری نشان‌دهنده‌ی ارزش‌ها و هنجارها هستند و می‌توانند برای قضاوت ارزشی مورد استفاده قرار گیرند. در واقع واژه‌پردازی قلمرو شناخته شده‌ی بیان و اقناع ایدئولوژیک است، از این رو ایران اینترنشنال با بکارگیری واژگان مثبت نظیر تجمعات، قیام، مبارزه ضدحکومتی، انقلاب، آزادی و ... سعی در مشروعیت‌بخشی به ناآرامی‌ها در داخل کشور ایران دارد.

استعاره یکی از راه‌های انتقال معناست. در استعاره، رابطه‌ی میان چیزها از راه قیاس مطرح می‌شود (مهدی‌زاده و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۵۰). انتقال استعاره‌ای یک واژه یا عبارت از یک قلمرو به قلمروی دیگر، نقشی ایدئولوژیک ایفا می‌کند. به عبارتی، استعاره‌ها دارای بار معنایی ایدئولوژیک هستند (رزمگاه، ۱۳۹۸: ۱۶۲). ایران اینترنشنال در خبری، استعاره‌ای چون "آیا ایران ققنوس‌وار از خاکستری که دهه‌هاست بر آن نشسته برمی‌خیزد یا نه" را بازنمایی کرده است. از آنجائیکه ققنوس، تمثیلی از فناپذیری و حیات جاودان است لذا این تیتراژ استعاره از این است که آیا ایران خواهد توانست بعد از بحران‌های اخیر قد راست کند؟ در خبری دیگر، استعاره‌ای چون "اعتراض جوانان، خار چشم سران" را بازنمایی کرده که استعاره از این است که سران جمهوری اسلامی ایران مطالبات و اعتراضات جوانان را برنمی‌تابند. "حمله جمهوری اسلامی به کردها؛ بومرنگی که کمانه خواهد کرد" استعاره‌ی دیگری است که به عدم نتیجه‌گیری ایران از حمله به کردها اشاره دارد.

در سطح «تبیین»، این شبکه تلویزیونی در ناآرامی‌های اخیر ایران، توان حداکثری خود را از گزارش تظاهرات شهرها به نمایش گذاشت، به شدت حمایت کرد و براساس راهبرد نفوذ به منظور استحاله‌ی نظام از درون به شکل‌گیری جریان ضدانقلاب در درون ساختار نظام و تشدید شکاف سیاسی در کشور پرداخت.

یافته‌ها نشان می‌دهد ایران‌اینترنشنال با تلاش‌های مستمر و بازنمایی ناآرامی‌ها به مثابه فرصتی برای تغییر نظام به دنبال تزریق اضطراب در جامعه، ایجاد یاس و ناامیدی در بین مردم و ایجاد تشکیک مداوم در هر آمار و موضوعی است.

با توجه به مقوله‌های گفتمانی متون خبری ایران‌اینترنشنال در مورد اخبار حوادث در ایران، ترویج گفتمان "سیاه‌انگاری" و "امنیتی‌سازی از وقایع اجتماعی" مشهود است. ایران به عنوان یک کشور، نقاط سیاه، سفید و خاکستری دارد اما یکسره "سیاه‌انگاری" سیاستی است که در دستور کار این شبکه تلویزیونی است. رسانه‌های بیگانه در جایگاه بلندگویان و مروجان گفتمان "دموکراسی‌خواهی" و با راهبرد تغییرخواهی برای سکولاریزه کردن ایران، نظام جمهوری اسلامی ایران را نظامی معرفی می‌کنند که به دلیل استبداد، در چند ماه اخیر دچار بحران مشروعیت شده است.

در این راستا شبکه ایران‌اینترنشنال، نظام جمهوری اسلامی ایران را نظامی ایدئولوژیک می‌داند، حکومتی که رویه قانون‌گذاری خود را از یک نظام مذهبی و اعتقادی کسب می‌کند و تکالیف مشخصی را بدون در نظر گرفتن اراده و نظر مردم در برنامه کاری خود دارد و همگان موظف و ملزم به انجام آن هستند. این نظام غیرهژمونیک همچنین برای تسلط بر جامعه بر شیوه‌های قهرآمیز متوسل شده است از این رو ایدئولوژی و گفتمان آن برای اعضای جامعه جذابیتی ندارد چه بسا قادر نیست رضایت آنها را نیز کسب کند از این رو از حکومت رضایتی فاصله گرفته است. از این رهیافت، حکومت اسلامی ایران در طول سال‌های پس از انقلاب، همواره حقوق بشر را به طرق مختلف نقض کرده، انواع و اقسام سیستم‌های آپارتاید تبعیضی (جنسی، قومی و مذهبی) را به وجود آورده و حق دسترسی آزاد به اطلاعات را نیز سلب کرده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

شبکه ایران‌اینترنشنال براساس گفتمان "اقلیت‌نمایی از اقوام" و تاکتیک روایت‌سازی تفرقه‌افکنانه درصدد ایجاد بستر مناسبی برای تشدید اختلافات و قوم‌گرایی بوده است. با تורق برگ‌های تاریخ به وضوح نقش عوامل خارجی بویژه انگلیس در شکل‌گیری منازعات قومی و تقویت ناسیونالیسم قومی مشهود است. در واقع یکی از کارویژه‌ها و محوری‌ترین راهبردهای ایران‌اینترنشنال در بحران اخیر، گسترش واگرایی‌های قومی و سوق دادن اقوام به سمت رادیکال شدن علیه حاکمیت با اهداف افزایش شکاف سیاسی و فرهنگی میان جمهوری اسلامی و کشورهای منطقه، انسجام‌زدایی در ایران، بسترسازی برای حرکات افراطی و ایجاد آشوب‌های قومی است تا بتوانند بهره‌برداری‌های سیاسی خود را ببرند.

با توجه به اینکه پابندی به "هویت ملی" اصلی‌ترین پایه فرهنگ هر ملتی است و به عنوان عاملی به شمار می‌آید که می‌تواند آن ملت را در شرایط خطیر و بحرانی در کنار هم نگه دارد و جامعه را از فروپاشی نجات دهد، حساسیت‌های زیادی علیه آن وجود دارد، از این رو شبکه ایران‌اینترنشنال همواره جهت ضربه زدن به این مملکت و ایجاد تفرقه بین اقوام، هیزم به آتش آن می‌اندازد، به طوری که در بحران‌های اخیر نیز تلاش این شبکه تلویزیونی در راستای تحریک گسل‌های قومی غیرقابل انکار است.

القای زن‌ستیزی و تقلیل کلیت وجودی زن به جنسیت‌اش در جمهوری اسلامی از دیگر راهبردهای ایران‌اینترنشنال است، براین اساس آنچه نمود عینی دارد برجسته کردن گفتمان "ابژه‌نگاری زنان" در جمهوری اسلامی در شبکه ایران‌اینترنشنال است که می‌توان به آن اشاره کرد. این رسانه، زن‌ستیزی نظام‌مند ایران را نقض آشکار حقوق بشر مطرح و زنان را به دلیل تصویب قوانین ضدزن و نقض گسترده و سیستماتیک حقوق زنان، اولین نیروی اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران و پرچمدار ناآرامی‌های اخیر معرفی می‌کند. این شبکه تلویزیونی براساس رویکرد جریان‌سازی حول محور گفتمان‌های خود، به دنبال درونی‌سازی زن‌ستیزی رژیم ایران در جامعه بوده و "حق‌طلبی"، "برابری" و "عدالت‌خواهی" را از مطالبات ریشه‌ای زنان عنوان می‌کند که برآورده شدن آنها صرفاً در صورت یک تغییر بنیادین در ایران امکان‌پذیر است.

برجستگی نقش زنان در بحران‌های اخیر توسط ایران‌اینترنشنال با تبلیغ فرم‌های نوین و خلاقانه‌ی هماه با بدعت اعتراضات از جمله سوزاندن روسری، چیدن موها، حجاب از سر برداشتن زنان و ... تبلور یافت که جملگی در راستای تلاش این جریان رسانه‌ای برای نهادینه‌سازی گفتمان "نفرت‌پراکنی جنسیتی" و گسست مردم به ویژه زنان از حکومت بوده است.

"طردشدگی سیاسی و اجتماعی نوجوانان و جوانان" نیز از دیگر گفتمان ایران‌اینترنشنال است. این رسانه با توجه به سیاست و رویکرد رسانه‌ای خود مبنی بر ایجاد شکاف اجتماعی در لایه‌های مختلف جامعه و موج‌سواری روی ناآرامی‌ها، اعتراض نسل نوجوان و جوان را نمادی از همه محرومیت‌هایی عنوان می‌کند که طی دهه‌های متمادی در بستر سیاسی و اجتماعی ایجاد شده و برآیند رفتار یک نظام حکمرانی است که دغدغه‌ای برای ارتقای کیفیت زندگی مردم خود به ویژه نسل جوان ندارد، لذا دامنه وسیعی از مطالبات فروخورده شکل گرفته و امروز این نیروی سرنگون‌طلب ابایی ندارد و از طریق جامعه‌ی شبکه‌ای کنترل و مطالبات خود را فریاد

می‌زنند. ایران‌ایترنشنال در تکمیل شالوده‌افکنی و القاء نقض آزادی‌های بنیادین حقوق انسانی در ایران، حق دسترسی آزاد به اطلاعات را یکی از اصول اساسی حقوق بشر و حقی عنوان می‌کند که در ایران با هدف خاموش کردن شعله‌های ناآرامی‌ها، جلوگیری از شکل‌گیری تجمعات و اختفای جنایات و سرکوب‌ها، سلب شده است.

این رسانه همچنین از چندین حربه جهت افکار عمومی و موجه کردن اعتراضات مردمی شود سود جسته است: این رسانه القای ناکارآمدی، اصلاح‌ناپذیری، تبعیض و نابرابری در نظام حاکم در راستای توجیه عملی و اخلاقی برای تقریب میان جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش کارگری با جنبش زنان و مشروعیت‌بخشی به ناآرامی‌ها است. همچنین این رسانه با اتخاذ شیوه «انحصار و استبداد خبری» با تمام توان سعی در هدایت و جهت‌دهی ذهن مخاطب خود دارد و با به تصویر کشیدن نمادهای شاهنشاهی به صورت کاملاً مکنون و زیر پوستی سعی در تبلیغ جریان سلطنت‌طلبی دارد. از سوی دیگر، در شرایطی که کشورمان با بحران‌های اقتصادی روبروست، تحریک کارگران برای اعتصاب بخش دیگری از عملیات اعلام شده توسط ایران‌ایترنشنال برای ایجاد ناامنی و تخریب در داخل ایران بوده است.

راهبرد مهمی که می‌توان از شبکه ایران‌ایترنشنال پایش کرد، پروژه "بی‌ثبات‌سازی" ایران است که در قالب آن علاوه بر سیاست‌های داخلی، سیاست خارجی دشمن‌ساز را از عوامل ایجاد بحران‌های اخیر عنوان می‌کند و چنین القا می‌کند که ناآرامی‌ها در این بستر طولانی، گسترده و منجر به تغییر نظام جمهوری اسلامی خواهد شد. الگوسازی و سرمشق‌گیری از دیگر شگردهای ایران‌ایترنشنال است که نمود عینی دارد. سرمشق‌گیری گرچه خود از یک بعد هدف است اما از بعد دیگر وسیله است که با اهداف آموزشی و انگیزشی انجام می‌گیرد.

در این راستا در خبرهای تحلیل شده شبکه ایران‌ایترنشنال الگوهایمانند انقلاب کشورهای عربی به عنوان الگوهای موفق تبلیغ می‌شود تا راهبردها و تاکتیک‌های آنها در میدان عملیاتی پیاده‌سازی شود و انگیزه‌ای برای بکارگیری از نمونه‌های موفق باشد. فضا سازی برای تشدید تحریم‌های ضدبشری کشورهای غربی علیه ایران از دیگر تلاش‌های ایران‌ایترنشنال است. این رسانه که صیغه زیادی در بحران‌آفرینی دارد با اتخاذ این روش به دنبال ایجاد یک اجماع حقوقی علیه ایران است تا بتواند فشار را علیه ایران دوچندان کند.

بدون تردید گفتمان‌های شبکه ایران‌ایترنشنال از جمله سرنگونی‌خواهی این رسانه نشان‌دهنده‌ی بی‌پرده‌ترین و بی‌نقاب‌ترین عنادورزی این شبکه‌ی تلویزیونی با جمهوری اسلامی ایران بوده و در مجموع تاکتیک‌های خبری استفاده شده در راستای قطبی کردن جامعه، متشنج

جلوه دادن اوضاع کشور، ناکارآمد نشان دادن عملکرد مجموعه نظام، بی‌اعتمادی به مسوولان و کارگزاران نظام، تحریک افکار عمومی و در نهایت تغییر نظام سیاسی ایران از طریق تشویق آشوب در حال انجام است، از آنجاییکه ریشه‌های براندازی را باید در نارضایتی عمومی در نتیجه ناکارآمدی یک نظام سیاسی جستجو کرد، این جریان رسانه‌ای مخرب برای دستیابی به اهداف مذکور در متون خبری خود از استراتژی فشار از بیرون و تغییر از درون استفاده می‌کند.

۱۲. بحث و نتیجه‌گیری

ایران‌اینترنشنال عملیات شناختی، اقناعی و جنگ روانی را به طور همزمان انجام می‌دهد و قالب‌های غالب به کار گرفته شده (خبر و تفسیر خبر) و موضوعاتی که این شبکه‌ی تلویزیونی در دستور کار خود قرار داده است، سیاه‌انگاری ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران، عملکرد مسوولان نظام، نوع نگاه جامعه‌ی جهانی، جامعه‌ی مدنی و مردم ایران به نظام حاکم است و این حرکت اعتراضی به دنبال این است تا زندگی آزاد را از حکومتی که هدایتی است، جامعه را قالب‌ریزی و سبک زندگی مطلوب خود را به جامعه تحمیل کرده است، بازپس گیرد. نظام واژگانی مثبت ایران‌اینترنشنال عمدتاً حول جنبش، حقوق بشر و عدالت، باز شدن فضای سیاسی، حجاب از سر برداشتن، چیدن موها، می‌چرخد که تداعی گر نظام‌های سیاسی لیبرال غربی است. مفهوم به آن به مثابه «تحریم» در نمونه‌های مورد بررسی یکی از مفاهیم پرتکراری است که با افزودن واژه راهی برای گذر به دموکراسی، آزادی و تکثر سیاسی بیان شده است. به این معنی که این بار نه انتخابات که نفی و تحریم آن امر مثبتی تلقی شده است. از سوی دیگر واژگان منفی این رسانه آرایشی از مفاهیم سرکوب معترضان، اعمال خشونت آمیز، پلیس اخلاقی، اسلام شیعی، کنترل سفت و سخت، حکومت پلیسی، مجازات معترضان، دلبستگی‌های مذهبی، گشت ارشاد، دیکتاتوری که مغایر با آزادی و حقوق بشر است. ایران‌اینترنشنال ناآرامی‌های اخیر ایران را دگرجنبشی قلمداد می‌کند که به دنبال شبکه‌ای از جنبش‌های هویتی جدید روی داده است، شبکه‌ای که زنانه‌اندیشی، گسست نسلی، تغییر سبک زندگی، آزادی‌خواهی، عدالت‌خواهی، تمایزهای قومی، هویت‌خواهی‌های صنفی و دین‌جدایی یک‌جا در آن دیده می‌شود لذا با خودآگاهی مدنی و اجتماعی ائتلاف تازه و یک دگردیسی بزرگ نسلی، فرهنگی، صنفی، اجتماعی و اعتقادی در جامعه‌ی ایران شکل گرفته است.

عمده استناد هایی که در شبکه ایران اینترنشنال صورت گرفته هم عبارت بودند از سخنان مقامات داخلی و خارجی، رسانه های خارجی از جمله نشریه اسرائیلی، بلومبرگ، گاردین، تحلیل گران داخلی و خارجی، فیلم های منتشر شده در رسانه های اجتماعی، مراکز افکار سنجی و گزارش های مردمی. این رسانه با روایت سازی تحریک آمیز بر اساس استناد های مطرح شده و ساخت چهارچوب هایی نظیر "نقض آزادی های بنیادین حقوق انسانی به ویژه آزادی های سایبری"، "ساختار ایدئولوژیک"، "خود حق پنداری"، "ذبح اخلاق و انسانیت" و "آپارتاید جنسی، قومی و مذهبی در ایران" در جهت تشویق مردم برای مشارکت در ناآرامی ها تلاش می کند.

قطب بندی یا غیرسازی در ایران اینترنشنال متناسب با ارزش های غربی دست به مرزبندی خود و دیگری بر مبنای دوانگاری های متضاد زده است. از یک طرف «خود» اغلب (مخالفان جمهوری اسلامی) شامل جوانان محلات، زنان، معترضان، ملت معترض ایران، رسانه های غربی، دولت آمریکا و سازمان اتحاد علیه ایران هسته ای، را مدافع ارزش های لیبرال و زادیخواه معرفی کرده است و از طرفی دیگری (جمهوری اسلامی) غیردموکراتیک، ناقض حقوق بشر، سرکوبگر و جنایتکار است. در اینجا با چارچوب ها و انگاره های شرق شناسانه ای روبرو هستیم که ایران ایتر نشنال سعی دارد، نظام ایران را از این طریق بازنمایی کند.

براساس یافته های این پژوهش، "سیاست انکار"، "سرکوب زندگی"، فقدان سازوکارهای همبستگی ساز"، "فقدان ظرفیت اجماع سازی برای حل مسائل"، عدم پذیرش تشکلیابی و آزادی رسانه ها" و "قربانی شدن زندگی پیش پای اقتدارگرایی فرهنگی و اجتماعی" از جمله عناصر گفتمانی ضدیت با نظام جمهوری اسلامی ایران هستند که بیانگر بازنمایی سوگیرانه و فارغ از ارزش های حرفه ای رسانه ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی و تسهیل کننده ی چرخش آزاد اطلاعات و اخبار است و اینکه ایران اینترنشنال به ابزارهایی در راستای ایجاد و گسترش کلیشه های منفی انگارانه تبدیل شده اند.

انگاره پردازی ها نیز در جهت غیریت سازی و ایجاد چهارچوب هایی برای تقویت ناآرامی ها و تغییر نظام سیاسی ایران است. در این گفتمان سازی، جمهوری اسلامی با انگاره هایی همچون "مدیران غیرپاسخگو، ناکارآمد و دروغگو"، "دیکتاتور، مستبد، انحصارگرا و سرکوبگر"، "دشمن ساز"، "قاتل و بی رحم"، "متزلزل و شکست خورده" و "سانسورگر" توصیف شده است. همچنین معترضان با انگاره هایی نظیر "ناراضی"، "ناامید"، "سرخورده" و "محروم" توصیف شده اند به طوری که این «ناشهروند پنداشته شدگان» به علت بی اعتمادی به

تشکل‌ها و احزاب سیاسی داخلی و نهادهای دولتی و تنگ‌تر شدن حلقه حکمرانی، مطالبات خود را در کف خیابان‌ها به تنهایی فریاد می‌زنند و این را تا تغییر نظام تداوم خواهند بخشید. یافته‌ها گویای آن است که سرنگونی‌خواهی، تمامیت‌خواهی نظام سیاسی ایران، اقلیت‌نمایی از اقوام، ابژه‌انگاری زنان، پردشدگی سیاسی و اجتماعی نوجوانان و جوانان و نفرت‌پراکنی جنسیتی از جمله گفتمان‌های غالب این شبکه‌ی تلویزیونی بیگانه است.

کتاب‌نامه

- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان انتقادی». تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- حسنعلی‌زادگان، رقیه. (۱۴۰۰)، گفتمان‌سازی رسانه‌ای، همایش علمی-پژوهشی فتح‌الفتوح با موضوع تعلیم و تربیت تمدنی
- جلالی قاسم‌پور، فرحناز؛ اشرف‌زاده، رضا؛ فخر اسلام، بتول (۱۴۰۲)، بررسی و تحلیل لایه توصیف در مفاخره‌ها و رجزخوانیهای گرشاسب‌نامه و بانوگشاسب‌نامه؛ براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، نشریه علمی سبک شناسی نظم و نشر فارسی، خرداد ۲۰۴۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۵، صص ۱-۱۵
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۳) تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها، مجله علوم سیاسی (۲۸): ۱۸۰-۱۵۳.
- عزیزی، سمیه؛ میرخلیلی، سیدمحمود (۱۴۰۱)، واکاوی ابعاد نظریه جرم در اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، سال سیزدهم، شماره بیست و نه، صفحات ۱۵۱-۱۸۶.
- فرامرزیانی، سعید؛ فرامرزیانی، پروانه؛ رضا قلی‌زاده، بهنام (۱۳۹۹)، مطالعات انتقادی رسانه‌ها، گفتمان‌شناسی رسانه‌های خبری، نشر سیمای شرق، تهران.
- فرامرزیانی، سعید؛ فرامرزیانی، پروانه (۱۳۹۲). بررسی گفتمان‌های روانی و تبلیغاتی متون خبری پایگاه‌های بی‌بی‌سی فارسی و رادیو فردا درباره انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات انتخابات. سال دوم شماره ۶ صفحات ۱۹۷-۲۲۱.
- قاسمی، حسن؛ نیرومند، لیلا؛ میرزاخانین، آنی (۱۴۰۰)، "تحلیل گفتمان سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی در پوشش اخبار کاهش تعهدات برجامی ایران"، فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری، دوره ۱۵۰، شماره ۱، پیاپی ۳۷.
- قجری، حسینعلی؛ دهقانی، نوید (۱۴۰۰)، نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی، ششمین همایش بین‌المللی مدیریت، حسابداری، اقتصادی و علوم اجتماعی
- کریمی فیروزجایی، علی؛ حبیبی، سمیرا (۱۳۹۷)، تحلیل گفتمان دیدگاه‌های رهبران ایران و آمریکا درباره برجام، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره چهارم.

تحلیل گفتمان اخبار شبکه تلویزیونی ... (سعید فرامرزینی و لعلیا نورانی زنوز) ۱۸۵

معمدنژاد، کاظم؛ مهدی زاده طالشی، سیدمحمد، (۱۳۸۶)، "بازنمایی ایران در مطبوعات غرب: تحلیل انتقادی گفتمان نیویورک تایمز، گاردین، لوموند و دی ولت"، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی شماره‌ی ۳۶،

مهدی زاده، سیدمحمد هوشیار، مهدی؛ (۱۳۹۸)، "چهارچوب سازی و گفتمان سازی رسانه ها در پوشش اخبار (تحلیل گفتمان اخبار در پایگاه های خبر بی بی سی فارسی و ایرنا به پوشش وقایع خاورمیانه و شمال آفریقا)، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای ارتباطات و رسانه، سال سوم، شماره ۱، (پیاپی ۷). صفحات ۵ و ۶

ناصری، فرشته؛ (۱۴۰۱)، بررسی قطب بندی نظام گفتمانی در ترکیب بند محتشم کاشانی براساس نظریه مربع ایدئولوژیک ون دایک، مجله زبان شناسی و گویش های خراسان، سال چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۱/پیاپی ۲۷

نصیری، مهدی؛ نیری فلاح، سیامک؛ خلیلی، اکرم، (۱۴۰۱)، نقش پروپاگاندا در بروز مفاهیم جدید معماری در عصر دیجیتال، فصلنامه تخصصی معماری مرمت و شهرسازی رف، سال اول، شماره سوم.
نوبخت، محسن، (۱۴۰۰)، تحلیل انتقادی- ساختاری مقالات حوزه تحلیل گفتمان انتقادی در زبان فارسی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای ارتباطات و رسانه، دوره ۴، شماره ۱۴

ون دایک، تئون ای، (۱۳۸۲) مطالعاتی در تحلیل گفتمان، گروه مترجمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

Brown, G. and Yule, G. (1983) *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press

Calvert, B. & Lewis, M. (2002). *Television Studies: The Key Concepts*, Rutledge Publications

Fairclough N, Mulderrig J, Wodak R. Critical discourse analysis. In: Dijk TAV, editor. *Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*. Los Angeles: Sage; 1997. pp. 357-378

Fairclough NL. Critical and descriptive goals in discourse analysis. *Journal of Pragmatics*. 1985;9(6):739-763

Hall stuart 2003. "the work of representation", in stuart hall (ed), representation: cultural representation adg signifying practices. London: sage publication.

Keller, R 2011, 'The Sociology of Knowledge Approach to Discourse (SKAD)', <https://link.springer.com/article/10.1007/s10746-011-9175-z>

Perloff, R. M. (2010). *Dynamics of Persuasion*. New York, London: Taylor & Francis.

Ruth Wodak, Michael Meyer (2016). *Critical Discourse Studies: History, Agenda, Theory and Methodology*. In Ruth Wodak Michael Meyer, ed., *Methods of Critical Discourse Studies 3RD Edition*. SAGE. PP .46-18

Scheufel, d ;& Tewksbury, d)2007(. Framing, Agenda setting, and Priming, *Journal of Communication*. vol 57. No 1

Schiffrin, Deborah (1994) *Approaches to Discourse*. Oxford: Blackwell.

- Thompson JB. Ideology and Modern Culture: Critical Social Theory in the Era of Mass Communication. Hoboken NJ, United states: John Wiley & Sons; 2013
- Van Dijk TA. Discourse analysis as ideology analysis. Language and Peace. 1995;10(47):142
- Van Dijk TA. Discourse analysis as ideology analysis. Language and Peace. 1995;10(47):142
- Van Dijk TA. Ideology and discourse analysis. Journal of Political Ideologies. 2006;11(2):115-140

